

## وکلای دادگستری

### در خدمت جامعه و دستگاه قانونگزاری

دنیای ما دنیای تخصص است ، روزگاری بود که دانشمندان همگی «ذو-فنون» بودند و در جمیع رشته ها یا دست کم در چندین رشته مختلف ، بارائی صائب اظهار نظر میکردند . در مراحل نخستین ، تمامی مجموعه دانش بشری ، موضوع يك رشته واحد بنام «فلسفه» و «حکمت» بود ، و این عنوان جمیع قلمرو های معرفت را شامل میشد . در آن ایام ، دانشمند «فیلسوف» بود و فیلسوف به کسی اطلاق میشد که بر تمام گنجینه دانش بشری ، احاطه داشت ، ولی با پیشرفت علوم و فنون ، «حکمت» نخست به دو شاخه «حکمت نظری» و «حکمت عملی» منقسم شد و در مراحل بعدی هر يك از آنها بنوبه خود به رشته هائی چند تقسیم گردید و رفته رفته از هر رشته نیز شاخه هائی جوانه زد و سپس از هر شاخه ، شاخه های فرعی دیگر سر بر آورد و طبقه بندی علوم ، خود بصورت مسئله غامضی در آمد و سرانجام چنان شد که «ذوفنون ها» جای خود را به «متخصصان» و کسانی که فقط در يك «فن» تبحر دارند وا گذاشتند . در شرایط حاضر ، دیگر امکان آنکه یکنفر بتواند در عین حال در چندین رشته از علوم و فنون ، صاحب رأی و نظر باشد وجود ندارد .

موضوع علوم مختلف ، کشف و تنظیم قواعد حاکم بر روابط بین عناصر و اشیاء و یا قوانین حاکم بر مناسبات بین افراد انسانی است . تردیدی نیست که در این میان ، موضوع علوم اجتماعی یعنی روابط بین افراد آدمی که «حقوق» یکی از آنهاست ، از کلیه انواع دیگر مناسبات و روابط ، پیچیده تر و غامض تر است

وعلت آن نیز آشکار است ، زیرا در این قلمرو ، موضوع عبارت از روابط بین موجودات غیر ذیروح و عناصر مجرد نیست ، بلکه مناسبات بین افراد آدمی یعنی موجودات ذیروح و دارای احساسات و عواطف و منافع گوناگون ، قلمرو این علوم را تشکیل میدهد و بهمین سبب و نیز بعلت آنکه در این میان پای منافع افراد و گروهها در میان است ، این دسته از علوم از همه غامضتر و دارای موقع حساس تری هستند و بر خورد آراء و نظرها در آنها شدیدتر است : علوم اجتماعی از قبیل علم اقتصاد ، جامعه شناسی ، حقوق و غیره ، مستقیماً با زندگی فردی و اجتماعی اشخاص و منافع آنها سروکار دارد و آراء و نظرهائی که در این زمینهها عرضه میشود ، لامحاله با نحاء مختلف با مصالح و منافع فردی و اجتماعی ، تماس پیدا میکنند . در میان این دسته از علوم ، علم حقوق از جهت تماس مستقیم با منافع افراد ، موقع حساس تر و مهم تری را حائز است ؛ زیرا اساسی ترین مناسبات و روابط بین اعضای جامعه ، از روابط زناشویی و سایر احوال شخصیه گرفته تا انواع روابط اقتصادی و مالی و مسائل مربوط به عواطف و احساسات را شامل میشود و هر گوشه‌ای از آن بنحوی با زندگی روزمره آدمیان از زن و مرد کوچک و بزرگ و صالح و طالح ، سروکار پیدا میکند . بنابراین اگر بگوئیم « حقوق » در میان علوم اجتماعی مقام اول را حائز است ، سخنی به گزاف نگفته‌ایم . از يك نظر دیگر نیز « حقوق » ، مقامی بس شامخ دارد زیرا بدون تنظیم روابط و مناسبات بین افراد در داخل اجتماع و تعیین حدود هر کس ، امکان زندگی اجتماعی بنحوی نمر بخش وجود نخواهد داشت و محیط متناسب و شرایط لازم برای پیشرفت علوم و فنون فراهم نخواهد آمد . در این تردیدی نیست که در داخل يك جامعه ، پیشرفت اقتصادی ، علمی و فنی ، تنها در صورتی ممکن است که محیط اجتماعی برای بروز و رشد استعداد های افراد ، مناسب و مساعد باشد در غیر اینصورت از تلاش و کوشش ، نتیجه مطلوب بدست نخواهد آمد و شرایط مساعد و مناسب نیز جز با تنظیم صحیح روابط بین افراد و تعیین حدود هر يك ، حاصل نخواهد شد . پس با توجه بمراتب فوق میتوان گفت « علم حقوق » ناظر بر جمیع شئون

زندگی افراد آدمی است و قلمرو آن تمامی روابط ناشی از انواع فعالیت‌های فکری و جسمی و ذوقی افراد را بنحو مستقیم یا غیر مستقیم، محسوس یا غیر محسوس در بر میگیرد و هیچ نوع مناسباتی وجود ندارد که بتواند از قلمرو شمول آن خارج بماند. پس «حقوق» ستونی است که جامعه و زندگی اجتماعی بر آن استوار است، ستونی که در صورت حدوث زلزله در آن، نشتمت و حتی تلاشی بر جامعه روی می‌آورد بهمین مناسبت است که قانونگزاری یعنی وضع قواعد برای حکومت بر روابط و مناسبات بین افراد، کاری است بس خطیر و پر مسئولیت و اگر اندک خطائی در تشخیص شرایط و مقتضیات و ارزیابی‌ها و یا انطباق قواعد کلی بر شرایط خاص روی دهد، عواقب بسیار زیان بخشی بیارمی آورد و گاه عوارض وخیم آن، سالها دامنگیر جامعه و نسلهای متوالی میشود. قانونگزار در واقع بمنزله سکان کشتی جامعه در دریای پر تلاطم زندگی است. يك محاسبه غیر دقیق یا يك انحراف بظاهر كوچك و ناچیز، ممكن است سفینه حیات يك جامعه را بر صخره‌ها بکوبد و آنرا از هم متلاشی سازد. درباره نتایج مضر ناشی از خطای قانونگزاران در کشورهای مختلف و اشتباه آنها در تشخیص شرایط و اوضاع و احوال و مقتضیات، میتوان نمونه‌های بسیار عرضه داشت که ما بعلمت ضیق مجال، از این مقال میگذریم. ولی هر کس با تاریخ حقوق و سیر تحول آن، اندک آشنائی داشته باشد، میتواند از اینگونه موارد مثالهای متعدد بخاطر بیاورد.

جای هیچگونه تردید نیست که در کشور ما بعلمت بر خورداری از ضوابط بسیار مستحکم و قواعد متین فقه اسلامی از يك طرف و استفاده از پیشرفت‌های علمی جدید از طرف دیگر، در مورد قانونگزاری از امکانات بسیار مساعد بر خوردار بوده‌ایم و هستیم و شالوده و ستون بندهای استوار و قالب‌های مناسب در اختیار داریم. ولی این نکته نیز از نظر‌ها پوشیده نیست که در اثر برخی سهل‌انگاری‌ها و وضع قوانین پراکنده و متعدد، برخی مقررات دست‌وپا گیر و گاه ناسخ و منسوخ و متناقض و نامتناسب بوجود آمده است و بهمین سبب در سالهای اخیر، احتیاج به بررسی و تنقیح قوانین موجود و اصلاح پاره‌ای از مقررات کهنه کاملاً محسوس

شد و لذا دولت ب فکر افتاد مقدماتی برای حصول این مقصود فراهم آورد و اقداماتی نیز صورت گرفت و برخی از مقررات نیز اصلاح شد و ترتیباتی متناسب تر بوجود آمد، ولی این هنوز آغاز کار است و آنچه انجام گرفته نسبت با آنچه باید انجام گیرد، بسیار اندک است. انبوه قوانین و مقررات پراکنده که بعضاً بی توجه بسوابق و تجارب حاصل و گاه با شتابزدگی و به مقتضای شرایط زود گذر روز بوجود آمده است، باید با دقت و موشکافی مورد بررسی و سنجش قرار گیرد و موارد متناقض و دست و پاگیر و نامتناسب با اوضاع و احوال اجتماعی و شرایط امروزی از آن جدا شود و مقررات جدیدی که جوابگوی نیازمندیهای اجتماع کنونی باشد، تنظیم و وضع گردد، و این وظیفه‌ای است بسیار سنگین و طاقت فرسا و پر مسئولیت که احتیاج به داشتن تبحر و احاطه بر مسائل مختلف و بطور کلی نیازمند بر خورداری از تخصص است و آنهم تخصصی که تنها از مطالعه کتابها و در قلمرو بررسیهای نظری حاصل نشده، بلکه علاوه بر آن میدان عمل نیز در ایجادش سهم بوده باشد، تخصصی محصول علم و تجربه ممتد.

خوشبختانه در نیم قرن اخیر، گروهی از خبرگان و متخصصان در کشور ما بوجود آمده اند که در اثر ممارست و در جریان کار روزمره و توأم کردن علم با عمل، از صلاحیت کافی برخوردار هستند. اینان بسبب موقع اجتماعی و موقعیت شغلی خود از یکطرف با تمام قشرهای مختلف جامعه در تماس دائم هستند و از سوی دیگر، هم در زمینه نظری و هم در قلمرو عمل، پیوسته با قانون و مقررات بمعنای وسیع کلمه، سروکار داشته و دارند و نقاط قوت و ضعف قوانین را، چه از لحاظ اصول و چه از نظر ارزش اجرایی، بخوبی دریافته اند و توشه‌ای بس گرانبها از تجارب اندوخته‌اند. وکلای دادگستری بیش از هر گروه اجتماعی دیگر، با اعماق جامعه و مسائل آن سروکار دارند و بیماریهای اجتماعی و اختلالات موجود در روابط بین افراد و قشرهای مختلف اجتماع، قبل از هر جای دیگر، نزد وکیل دادگستری بنحوی روشن و صادقانه منعکس میشود. وکیل دادگستری بهتر از هر کس دیگر میتواند به ژرفای قلب و روح مردم راه یابد و آرمان و آمال آنها و

حدود ظرفیت فکری و روحی آنان را دریابد و از طرف دیگر وی با محاکم دادگستری و دادسراها و دوایر دولتی نیز بطور مستمر در تماس است و در این قلمرو نیز ، عمق مسائل و نقاط قوت و ضعف را بخوبی احساس میکنند .

این وضع و موقع خاص ، بکلای دادگستری اجازه داده است که در زمینه تبعات و تحقیقات حقوقی و انطباق آن با اوضاع و احوال اجتماعی و مقتضیات کنونی و روحیه مردم ، از صلاحیت کافی برخوردار گردند و از کان علم و تجربه ، توشه و سرمایه‌های گرانبها بیندوزند . ولی موجب تاسف است که از این سرمایه بزرگ تاکنون چنانکه باید و شاید استفاده نشده است و در واقع بک سرمایه قابل ملاحظه ، راکد و بی استفاده مانده است . در این ایام که دولت در صدد است در مورد تنقیح قوانین و وضع مقررات متناسب با شرایط محیط و تحولات و پیشرفت های امروزی اقدام کند ، شایسته است باین نکته توجه نماید که باسانی و بطور رایگان میتواند از این سرمایه متراکم استفاده کند و تجارب و اطلاعات گرانبهای وکلای دادگستری را در خدمت اقتصاد و تجارت و قضاء قرار دهد .

کانون وکلای دادگستری ، برای آنکه این سرمایه بزرگ بیش از این را کد نماید و به نفع مملکت و مردم بکار افتد ؛ از چندی پیش اقدام به تاسیس مرکزی بنام « کمیسیون تبعات و تحقیقات حقوقی » نمود و جمعی از وکلای مجرب و مطلع را گرد آورد تا شرایطی فراهم آید که بتوانند توشه‌ای را که در طول سالها تلاش و زحمت و کار و زهره بتدریج کسب کرده اند ، یکجا در خدمت جامعه و دستگاه قانونگزاری قرار دهند . برای دولت ، فرصت بسیار مناسبی است که از مساعی کانون بر ایگان استفاده کند ، بخصوص که « کمیسیون تبعات و تحقیقات حقوقی » کانون وکلای دادگستری ، از هر گونه روحیه اداری و تشریفات دست و پا گیر و زائد بدور است . بجای آنکه بایجاد ادارات و دستگاههای پرخرج - واکثر آکم کاردست بنیم بسادگی و سهولت میتوان این مرکز علمی مجهز را بخدمت جامعه گرفت و دستگاه قانونگزاری را از ثمرات گرانبهای آن

برخوردار ساخت .

کانون و کلای دادگستری آمادگی خود را برای اجرای وظایفی که در این زمینه بر عهده او گذاشته شود ، اعلام میدارد و « کمیسیون تتبعات و تحقیقات حقوقی » خود را با تمام امکاناتش برای این مقصود در اختیار دولت و دستگاه قانونگزاری قرار میدهد تا بر ایگان از آن به نفع جامعه استفاده شود . کانون و کلای دادگستری آماده است که به ساده‌ترین و عملی‌ترین طرق ، حداکثر کمک ممکن را بدستگاه دولت عرضه بدارد و در این راه از هیچ کوششی دریغ نورزد . و کلای صدیق و زحمتکش دادگستری که قسمتی از اوقات گرانبهای خود را در سمت وکیل معاضدتی و یا تسخیری صرف خدمت به خلق میکنند ، در این قلمرو نیز حاضرند قسمت دینگری از اوقات ذیقیمت خود را وقف خدمت به جامعه کنند و بی هیچ چشم داشتی خرم از اطلاعات و تجارب پرارزش و نیز آنچه را که در قوه دارند در اختیار دولت و دستگاه های تنقیح قوانین قرار دهند و این بمنزله هدیه‌ای است از جانب وکلا به جامعه و کشور و دولت و امید است که این هدیه مورد قبول واقع شود .

هیئت تحریریه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی